

The Role and Position of the Family in Institutionalizing Obedience to the Velayat-e Faqih as a Religious and Legal Obligation

Marjan Omid

Graduate of Level 3 Seminary Studies, Markazi Province, Arak, Iran.
M630233@chmail.ir

Abstract

As the primary and most fundamental social institution, the family plays a significant role in transmitting values, norms, and behavioral patterns to subsequent generations. In religious societies, this role extends beyond moral values to encompass the transmission of social and political attitudes. A key concept in this context is adherence to Velayat-e Faqih (Guardianship of the Islamic Jurist), which is considered a crucial component of societal governance. The family can play an effective role in fostering a correct attitude toward this principle and in internalizing it as both a religious and legal obligation. Adopting a descriptive-analytical approach and utilizing library-based research, this study examines the role and position of the family in fostering adherence to Velayat-e Faqih (Guardianship of the Islamic Jurist) within the domestic environment. The findings indicate that the family facilitates the internalization of this value through religious socialization, behavioral modeling, educational dialogue, and the strengthening of a sense of social belonging. Furthermore, realizing this objective requires attention to the cognitive, attitudinal, behavioral, and educational dimensions of the family upbringing process.

Keywords: Family, Velayat-e Faqih, religious socialization, social upbringing, adherence to Velayat-e Faqih

دور الأسرة ومكانتها في ترسيخ طاعة "ولاية الفقيه" بوصفها واجباً دينياً وقانونياً

مرجان امیدی

خريج دراسات المستوى الثالث في الحوزة العلمية، محافظة مركزي، أراك، إيران.

M630233@chmail.ir

ملخص

تُعد الأسرة المؤسسة الاجتماعية الأولى والأكثر جوهرية، إذ تؤدي دوراً هاماً في نقل القيم والأعراف وأنماط السلوك إلى الأجيال اللاحقة. وفي المجتمعات الدينية، يتجاوز هذا الدور القيم الأخلاقية ليشمل نقل المواقف الاجتماعية والسياسية. ويبرز في هذا السياق مفهوم الالتزام بـ "ولاية الفقيه"، التي تُعد ركيزة أساسية في نظام الحكم وإدارة المجتمع؛ حيث يمكن للأسرة أن تؤدي دوراً فعالاً في ترسيخ موقف سليم تجاه هذا المبدأ، وتكريسه كالالتزام ديني وقانوني في آن واحد. تتناول هذه الدراسة -من خلال اعتماد المنهج الوصفي التحليلي والاعتماد على البحوث المكتوبة- دور الأسرة ومكانتها في تعزيز الالتزام بمبدأ "ولاية الفقيه" داخل المحيط الأسري. وتُظهر النتائج أن الأسرة تُسهم في ترسيخ هذه القيمة واستيعابها داخلياً من خلال التنشئة الدينية، والقُدوة السلوكية، والحوار التربوي، وتعزيز الشعور بالانتماء الاجتماعي. وعلاوة على ذلك، فإن تحقيق هذا الهدف يتطلب إيلاء الاهتمام للأبعاد المعرفية والوجدانية (المتعلقة بالاتجاهات) والسلوكية والتربوية في عملية التنشئة الأسرية.

الكلمات المفتاحية: الأسرة، ولاية الفقيه، التنشئة الدينية، التنشئة الاجتماعية، الالتزام بولاية الفقيه.

نقش و جایگاه خانواده در نهادینه سازی تبعیت از ولایت فقیه به مثابه یک وظیفه شرعی و قانونی

مرجان امیدی

دانش آموخته سطح سه حوزه ، استان مرکزی ، اراک ، ایران

M630233@chmail.ir

چکیده

خانواده به عنوان نخستین و بنیادی ترین نهاد اجتماعی، نقش مهمی در انتقال ارزش ها، هنجارها و الگوهای رفتاری به نسل های بعدی دارد. در جوامع دینی، این نقش علاوه بر ارزش های اخلاقی، انتقال نگرش های اجتماعی و سیاسی را نیز دربرمی گیرد. یکی از مفاهیم اساسی در این زمینه، تبعیت از ولایت فقیه است که از مؤلفه های مهم اداره جامعه محسوب می شود. خانواده می تواند در شکل گیری نگرش صحیح نسبت به این اصل و درونی سازی آن به عنوان وظیفه ای شرعی و قانونی نقش مؤثری ایفا کند. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای، به بررسی نقش و جایگاه خانواده در تحقق تبعیت از ولایت فقیه در محیط خانواده پرداخته است. یافته ها نشان می دهد خانواده از طریق جامعه پذیری دینی، الگوسازی رفتاری، گفت و گوی تربیتی و تقویت احساس تعلق اجتماعی، زمینه درونی شدن این ارزش را فراهم می کند. همچنین تحقق این امر مستلزم توجه به ابعاد معرفتی، نگرشی، رفتاری و تربیتی در فرآیند تربیت خانوادگی است.

کلیدواژه ها: خانواده، ولایت فقیه، جامعه پذیری دینی، تربیت اجتماعی، تبعیت از ولایت فقیه

مقدمه

خانواده به عنوان نخستین محیط اجتماعی زندگی انسان، نقشی بنیادین در شکل‌گیری شخصیت فرد و انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی ایفا می‌کند. بسیاری از نگرش‌های فرد نسبت به مسائل اجتماعی، فرهنگی و دینی در سال‌های اولیه زندگی و در محیط خانواده شکل می‌گیرد. از این رو، جامعه‌شناسان و اندیشمندان حوزه تربیت همواره بر نقش محوری خانواده در فرآیند جامعه‌پذیری تأکید کرده‌اند. در جوامع دینی، این نقش از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا خانواده علاوه بر انتقال هنجارهای اجتماعی، وظیفه انتقال ارزش‌های دینی و تربیت دینی فرزندان را نیز بر عهده دارد.

در برخی مطالعات قرآنی، خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادها در «اجتماعی کردن دین» معرفی شده است؛ نهادی که نقش اساسی در درونی‌سازی آموزه‌های دینی در اعضای خود و تبدیل باورهای دینی به هنجارهای رفتاری روزمره ایفا می‌کند. (آخوندی، ۱۴۰۳: ۱۱)

یکی از ابعاد مهم تربیت دینی، آشنایی افراد با نظم اجتماعی جامعه اسلامی و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. در این چارچوب، تبعیت از ولایت فقیه به عنوان یکی از عناصر سامان‌دهنده نظام اجتماعی در جامعه اسلامی مطرح می‌شود. ولایت فقیه و نظام برخاسته از آن از عوامل مهم شکل‌دهنده گفتمان اجتماعی و فرهنگی انقلاب اسلامی است. لذا اصل ولایت

فقیه به عنوان کانون الهام بخش قدرت نرم انقلاب اسلامی مطرح شده و قدرت نرم انقلاب اسلامی در ایدئولوژی اسلامی و حضور معنویت در عرصه اجتماع و سیاست ریشه دارد. (سماواتی، امیدی و امین ناصری، ۱۴۰۳: ۱۳۱). چنین برداشتی نشان می دهد که مفاهیم مرتبط با نظم اجتماعی در جامعه اسلامی، تنها در سطح ساختارهای کلان سیاسی مطرح نیستند، بلکه در سطوح اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز بازتاب می یابند.

با توجه به اهمیت نقش خانواده در فرآیند تربیت دینی و اجتماعی، این پرسش مطرح می شود که خانواده ها چگونه می توانند در شکل گیری نگرش صحیح نسبت به تبعیت از ولایت فقیه در میان اعضای خود نقش ایفا کنند. همچنین بررسی سازوکارهای تربیتی مؤثر در تحقق این امر از جمله موضوعاتی است که نیازمند مطالعه و تحلیل علمی است.

براین اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش خانواده در شکل گیری و تقویت تبعیت از ولایت فقیه در چارچوب تربیت دینی و اجتماعی است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که تبعیت از ولایت فقیه در سطح خانواده چه ابعادی دارد و خانواده ها از طریق چه سازوکارهای تربیتی می توانند زمینه تحقق آن را فراهم کنند.

پژوهش حاضر از نوع پژوهش های توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه ای انجام شده است.



بحث و یافته‌ها

۱. کارکرد خانواده در جامعه‌پذیری دینی و شکل‌گیری نگرش‌های اجتماعی

یکی از مفاهیم کلیدی در تبیین انتقال ارزش‌ها و هنجارهای دینی، مفهوم «جامعه‌پذیری دینی» است. جامعه‌پذیری دینی فرآیندی است که طی آن فرد از طریق تعامل با نهادهای اجتماعی مختلف، با باورها، ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری دینی آشنا شده و آن‌ها را در ساختار شخصیت خود درونی می‌سازد. در میان نهادهای گوناگون جامعه‌پذیری، خانواده از جایگاهی ممتاز برخوردار است؛ زیرا نخستین محیط اجتماعی است که فرد در آن حضور می‌یابد و نخستین تجربه‌های خود از تعاملات انسانی و اجتماعی را در آن کسب می‌کند. خانواده از طریق مجموعه‌ای از تعاملات روزمره، سبک‌های تربیتی و الگوهای رفتاری والدین، چارچوب اولیه نگرش‌های فرد نسبت به جهان اجتماعی را شکل می‌دهد.

از منظر تربیتی، انتقال ارزش‌های دینی در خانواده تنها از طریق آموزش‌های رسمی یا توصیه‌های اخلاقی تحقق نمی‌یابد، بلکه مهم‌تر از آن، از طریق مشاهده و تجربه زیسته صورت می‌گیرد. کودکان در تعاملات روزمره با والدین، شیوه مواجهه آنان با مسائل اجتماعی، نوع نگرش آنان به قانون، و نحوه واکنش آنان نسبت به مسائل عمومی جامعه را مشاهده می‌کنند. این مشاهدات به تدریج به الگوهای ذهنی پایدار تبدیل می‌شود و مبنای قضاوت‌های آینده آنان درباره مسائل اجتماعی قرار می‌گیرد.



از این رو می‌توان گفت که خانواده نه تنها نقش انتقال‌دهنده ارزش‌های دینی را دارد، بلکه به نوعی بستر شکل‌گیری نگرش‌های اجتماعی و سیاسی افراد نیز محسوب می‌شود. نگرش افراد نسبت به نظم اجتماعی و ساختارهای رهبری در جامعه اسلامی نیز در بسیاری از موارد در همین بستراولیه شکل می‌گیرد و در مراحل بعدی زندگی تقویت یا تضعیف می‌شود.

از منظر قرآن، خانواده از ارکان اساسی شکل‌دهی به شخصیت و عواطف فرزندان و زمینه‌سازی جامعه‌پذیری آنان به‌شمار می‌آید (آخوندی، ۱۴۰۳: ۱۳). این امر در راستای همان نقش کلیدی خانواده در «اجتماعی کردن دین» است که در آن خانواده، نقش اساسی در درونی‌سازی آموزه‌های دینی در اعضای خود ایفا می‌کند.

۲. ابعاد تبعیت از ولایت فقیه در سطح خانواده

برای تحلیل تبعیت از ولایت فقیه در سطح خانواده، می‌توان آن را در قالب چند بعد تحلیلی مورد بررسی قرار داد. این ابعاد در واقع نشان‌دهنده سطوح مختلف درک و تحقق این مفهوم در محیط خانواده هستند و هریک نقش خاصی در فرآیند تربیت دینی ایفا می‌کنند.

۲-۱. بعد معرفتی

در این بعد، مسئله اصلی آگاهی و شناخت نسبت به مفهوم نظم اجتماعی در جامعه اسلامی و جایگاه رهبری دینی در مدیریت امور اجتماعی است. در

محیط خانواده، این شناخت می‌تواند از طریق گفت‌وگوهای تربیتی، طرح مسائل اجتماعی و تحلیل رویدادهای جامعه شکل گیرد. هنگامی که فرزندان با مفاهیم مربوط به مسئولیت اجتماعی، نظم عمومی و ضرورت هماهنگی اجتماعی آشنا شوند، درک آنان از مفهوم تبعیت اجتماعی نیز عمیق‌تر خواهد شد.

۲-۲. بعد ارزشی و نگرشی

در این سطح، هدف اصلی شکل‌گیری نگرش مثبت نسبت به ارزش‌هایی مانند قانون‌پذیری، نظم اجتماعی، عدالت و مسئولیت اجتماعی است. این نگرش‌ها در محیط خانواده از طریق تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی شکل می‌گیرد. برای مثال، هنگامی که در محیط خانواده بر اهمیت رعایت حقوق دیگران، احترام به قوانین و توجه به منافع عمومی تأکید می‌شود، این ارزش‌ها به تدریج در چارچوب ذهنی فرزندان تثبیت می‌شود.

۲-۳. بعد رفتاری

این بعد به تجلی عملی ارزش‌ها در رفتارهای روزمره مربوط می‌شود. رعایت قوانین اجتماعی، احترام به نظم عمومی و پایبندی به اصول اخلاقی در روابط اجتماعی از جمله مصادیق این بعد هستند. در محیط خانواده، رفتار والدین در رعایت قوانین اجتماعی، نحوه مواجهه آنان با مسائل اجتماعی و نوع تعامل آنان با نهادهای اجتماعی می‌تواند به عنوان الگویی برای فرزندان عمل کند.

۲-۴. بعد تربیتی و انتقال بین نسلی

یکی از ویژگی‌های مهم نظام‌های ارزشی در جوامع دینی، انتقال آن‌ها از طریق نسل‌هاست. خانواده در این میان نقش واسطه‌ای مهمی ایفا می‌کند. ارزش‌های دینی و اجتماعی که در محیط خانواده آموزش داده می‌شود، از طریق فرآیند تربیتی به نسل‌های بعدی منتقل می‌گردد. این انتقال زمانی مؤثر خواهد بود که ارزش‌ها در سبک زندگی خانوادگی نیز تجلی داشته باشد و تنها در سطح توصیه‌های نظری باقی نماند.

در واقع می‌توان گفت که تبعیت از ولایت فقیه در سطح خانواده صرفاً یک مسئله نظری یا مفهومی نیست، بلکه بخشی از یک الگوی گسترده‌تر تربیت اجتماعی در جامعه اسلامی محسوب می‌شود. این الگوزمانی به شکل پایدار در جامعه تحقق می‌یابد که در محیط خانواده به صورت تدریجی و طبیعی درونی شود. در برخی پژوهش‌ها، الگوی «خانواده فاطمی» به مثابه الگویی هنجاری برای تحقق خانواده دینی ولایت‌مدار جامعه مهدوی تبیین شده است که در آن، تبعیت از رهبری الهی، محور سامان‌دهی نقش‌ها و روابط خانوادگی تلقی می‌شود. (عموزاد، ۱۴۰۳: ۵۵)

۳. سازوکارهای تربیتی تحقق تبعیت اجتماعی در خانواده

تحقق تبعیت اجتماعی در محیط خانواده نیازمند مجموعه‌ای از سازوکارهای تربیتی است که بتواند ارزش‌ها و نگرش‌های مورد نظر را در فرآیند تربیت فرزندان نهادینه کند. سبک‌های هویت و سبک‌های دلبستگی بر سطح تعهد دینی

اثرگذارند و کارکرد خانواده در این میان نقش میانجی ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که میان ابعاد کارکرد خانواده و تعهد دینی رابطه‌ای مثبت و معنادار گزارش شده است. (صیاد شیرازی، ۱۴۰۳: ۴۵)

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که چند سازوکار مهم در تحقق تبعیت اجتماعی قابل شناسایی است:

۱-۳. سازوکار الگوسازی رفتاری والدین

کودکان در تعامل با والدین، شیوه رفتار آنان را در موقعیت‌های مختلف مشاهده کرده و آن را به عنوان الگوی رفتاری در ذهن خود ثبت می‌کنند. از این رو، اگر والدین در رفتارهای اجتماعی خود پایبندی به نظم، قانون و مسئولیت اجتماعی را نشان دهند، این رفتارها به صورت طبیعی در ذهن فرزندان تثبیت می‌شود.

۲-۳. سازوکار گفت‌وگوی تربیتی در محیط خانواده

گفت‌وگویی از مهم‌ترین ابزارهای تربیت فکری و اجتماعی است. هنگامی که در محیط خانواده فضایی برای طرح پرسش‌ها و تبادل نظر درباره مسائل اجتماعی وجود داشته باشد، فرزندان می‌توانند نگرش‌های خود را شکل دهند و به درک عمیق‌تری از مسائل اجتماعی دست یابند. در چنین فضایی، والدین می‌توانند مفاهیم مرتبط با نظم اجتماعی، مسئولیت جمعی و نقش رهبری در جامعه را به صورت منطقی و قابل فهم برای فرزندان تبیین کنند.

۳-۳. سازوکار تقویت احساس تعلق اجتماعی

احساس تعلق به جامعه یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری رفتارهای مسئولانه اجتماعی است. هنگامی که افراد خود را بخشی از یک جامعه بدانند و نسبت به سرنوشت آن احساس مسئولیت کنند، احتمال بیشتری دارد که به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی پایبند باشند. خانواده‌ها می‌توانند با تشویق فرزندان به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و خیرخواهانه، این احساس تعلق را تقویت کنند.

۳-۴. سازوکار پیوند دادن آموزه‌های دینی با رفتار اجتماعی

در بسیاری از موارد، چالش اصلی در تربیت دینی آن است که مفاهیم دینی در سطح نظری باقی می‌ماند و ارتباط آن‌ها با زندگی اجتماعی به خوبی تبیین نمی‌شود. در حالی که اگر این مفاهیم با رفتارهای اجتماعی پیوند داده شود، تأثیر آن‌ها عمیق‌تر خواهد بود. برای مثال، تأکید بر مفاهیمی مانند عدالت، مسئولیت اجتماعی و رعایت حقوق دیگران می‌تواند به عنوان پیوندی میان آموزه‌های دینی و رفتار اجتماعی عمل کند.

در سطحی گسترده‌تر، برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که گفتمان انقلاب اسلامی و مفاهیمی مانند احیای هویت دینی، گسترش گفتمان بیداری اسلامی، وحدت و همبستگی اسلامی و گفتمان مقاومت از جمله الگوهای الهام‌بخش فرهنگی و اجتماعی در چارچوب نظریه ولایت فقیه محسوب می‌شوند که می‌توانند بر شکل‌گیری نگرش‌های اجتماعی در جامعه تأثیرگذار باشند.

(سماواتی، امیدی و امین ناصری، ۱۴۰۳: ۱۳۱). هنگامی که این مفاهیم در قالب تربیت دینی در محیط خانواده بازتاب یابد، پیوندی میان سطح خرد تربیت خانوادگی و سطح کلان گفتمان اجتماعی ایجاد می‌شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی چیستی و چگونگی تبعیت از ولایت فقیه در سطح خانواده و با تمرکز بر نقش تربیتی خانواده در شکل‌گیری این نگرش اجتماعی انجام شد. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که خانواده به عنوان نخستین و بنیادی‌ترین نهاد جامعه‌پذیری، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری نگرش‌ها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری افراد دارد. یافته‌های پژوهش نشان داد که تبعیت از ولایت فقیه در سطح خانواده صرفاً به معنای انتقال یک مفهوم نظری یا آموزشی نیست، بلکه بخشی از فرآیند گسترده‌تر تربیت اجتماعی در جامعه دینی محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، تحلیل ابعاد مختلف تبعیت از ولایت فقیه در محیط خانواده نشان داد که این مسئله را می‌توان در چهار سطح معرفتی، نگرشی، رفتاری و تربیتی مورد بررسی قرار داد. در سطح معرفتی، آشنایی با مفاهیم مرتبط با نظم اجتماعی و مسئولیت اجتماعی اهمیت دارد. در سطح نگرشی، شکل‌گیری باورها و ارزش‌های مثبت نسبت به نظم و قانون اهمیت می‌یابد. در سطح رفتاری، این ارزش‌ها در رفتارهای روزمره و تعاملات اجتماعی تجلی پیدا

می‌کند. در نهایت، در سطح تربیتی، این ارزش‌ها از طریق فرآیند تربیت خانوادگی به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که تحقق این فرآیند تربیتی نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهای تربیتی مناسب در محیط خانواده است. الگوسازی رفتاری والدین یکی از مهم‌ترین این سازوکارها به شمار می‌رود؛ زیرا فرزندان بخش قابل توجهی از رفتارهای اجتماعی خود را از طریق مشاهده رفتار والدین می‌آموزند. علاوه بر آن، ایجاد فضای گفت‌وگوی تربیتی در خانواده می‌تواند زمینه شکل‌گیری فهم آگاهانه از مسائل اجتماعی را فراهم کند. تقویت احساس تعلق اجتماعی در میان اعضای خانواده و پیوند دادن آموزه‌های دینی با رفتارهای اجتماعی نیز از دیگر عوامل مؤثر در این فرآیند محسوب می‌شود.



منابع و ماخذ

۱. آخوندی، محمدباقر. (۱۴۰۳). الگوی سازمان اجتماعی خانواده در قرآن. فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۱۲(۲)، ۲۴۵-۲۷۴.
۲. سماواتی، عباس؛ امید، جبرئیل؛ امین ناصری، تیمور. (۱۴۰۳). الگوهای الهام بخش قدرت نرم انقلاب اسلامی با بازپژوهی نظریه ولایت فقیه امام خمینی (ره). فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، ۱۴(۱)، ۱۳۱-۱۵۴.
۳. صیاد شیرازی، مریم؛ زاغیان، ایمان. (۱۴۰۳). رابطه سبک های هویت و سبک های دلبستگی با پابندی مذهبی: نقش واسطه ای کارکرد خانواده. فصلنامه مطالعات روان شناختی زنان، ۲۲(۱)، ۱۷۸-۲۰۳.
۴. جمعی از محققان. (۱۴۰۱). آشنایی با سلامت معنوی: ویژه آموزش عالی سلامت (چاپ اول). تهران: فرهنگستان علوم پزشکی.
۵. سیف، علی اکبر. (۱۴۰۳). روان شناسی پرورشی نوین: روان شناسی یادگیری و آموزش. تهران: انتشارات دوران.
۶. عموزاد، معصومه؛ چراغی کوتیانی، اسماعیل. (۱۴۰۳). بررسی شاخصه های خانواده فاطمی و نقش آن در تحقق جامعه مهدوی. مجله معرفت، ۳۲(۲)، ۵۳-۶۴.

Table of Contents

From the perspective of Islamic Terrorism Separation approach jihadist terrorist groups / mohammadsadegh jamshidirad

The Harms of Befriending the Enemies of God and the Believers (in the Political Upbringing of Children) / reza mahdianfar

The Jurisprudential and Legal Interpretation of the Consolidation of the Family Institution by the Two Leaders of the Islamic Revolution / Sayyede Masomeh mirigorji

An Analysis of the Clash Between Islamic and Western Family Models in the Thought of Ayatollah Khamenei: A Strategy for Addressing the Collapse of the Family Institution / sedigheh mahdavi-kani; maryam fathi; najmeh shahbazi hemmat

Women's Governance in the Post-War Era: An Analysis of Gendered Agency in Post-Colonial, Western, and Islamic Societies / Somayyeh Kiyahoor; somayeh abbasi

A Structural and Content Analysis of the Role of Cyberspace and Media in Undermining Hijab and Family-Centricity / Zeanab musavisadat

A Jurisprudential Analysis of the Scope of Authority of the Family Head and Social Institutions in Family Governance in Post-War Conditions, Based on Surah An-Nisa, Verse ٣٤ / zahra ebrahimi; Abbas ebrahimi

The Role and Position of the Family in Institutionalizing Obedience to the Velayat-e Faqih as a Religious and Legal Obligation / Marjan Omid